



گفتگو Gettyimages

«مسئولیت اجتماعی» در گفت و گو با «سعید معیدفر»

جامعه مسئولیت پذیر رفتار خشونت آمیز را از بین می برد

متأسفانه در چندسال گذشته تحت تأثیر سیاست‌های کلان مدیریتی روند فردگرای افراطی و گریز از نفع اجتماعی وضع تشدید شده‌ای در کشور پیدا شده است. هر چند در گذشته نیز این مشکل تا حدی در جامعه قابل لمس بود، با وجود این، اجرای سیاست‌های نادرست در دولت گذشته رابطه یک طرفه‌ای را از جانب دولت به سمت مردم ایجاد کرده است. در نتیجه به این تفکر که تنها دولت متصدی رفح مشکلات در جامعه است دامن زده شده و میان تمام اقشار جامعه نوعی توقع افراطی از دولت ایجاد شده که حتی میان کارمندان دولتی نیز این شکاف و جدایی از ساختار دولت مشهود است. بزرگ شدن دولت و نبود این روحیه در دولت که از خود تصویری در خدمت مردم نشان دهد در گسترش این وضع موثر بوده است. از طرفی فاصله افراد تأثیرگذار و نخبه جامعه از توده مردم نیز روز به روز بیشتر شده است که همین امر دسترسی توده مردم را به افرادی که قادرند دینی تغییر در زندگی روزمره آنها باشند کوتاه کرده است. نمونه بارز بحث منفعت طلبی شخصی و دوری از نفع اجتماعی را می‌توان در مورد اخیر ثبت نام یارانه‌ها سراغ گرفت. آمار بالای ۹۰ درصد ثبت نامی برای گرفتن یارانه با این توجه که عده زیادی از آنها به این مبلغ نیازی نداشتند گواهی بر کم رنگ شدن بحث مسئولیت اجتماعی در جامعه است.

جامعه مسئولیت پذیر

رفتار خشونت آمیز را از بین می برد

«بسط بیگانگی بین مردم» عبارتی که اگر چه در ظاهر طبیعی می آید اما در عمق آن حکایت از ماجرای اندوهناکی دارد. زندگی در یک کلاتشهر و رویارویی با مسائل جامعه مدرن، مثل اتوبانی عریض که به ناگاه از بسط یک محله می‌گردد، در جامعه سنتی سر بر می آورد و آشنایی‌ها را کم می‌کند و دغدغه‌های مردم را نیز برای هم بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. دیگر چه کسی به فکر آنها می‌است که در آن سر شهر و آن در لایلی که زندگی می‌کنند؟ کم شدن حس مسئولیت اجتماعی است که به شکل‌های گوناگونی نمود پیدا می‌کند. سعید معیدفر، جامعه‌شناس در این گفت و گو با ابعاد مختلف آن و دلایلی که باعث شده جامعه ایران با وجود سابقه‌ای پر رنگ در حمایت از دیگری در جامعه، اکنون به سمت بی‌تفاوتی اجتماعی و بی‌انگیزگی برای انجام مسئولیت‌های اجتماعی برود، می‌پردازد. شاید امروزه با شنیدن نام مسئولیت اجتماعی بیشتر یاد سازمان‌های مردم نهاد بختیم ام‌سعیدفر عقیده دارد که باید مسئولیت اجتماعی را در حوزه نشر کتاب و به‌طور کلی جامعه نیز بررسی کرد. او همچنین بخشی از تشدید وضع فردگرایی افراطی را در جامعه، وجود سیاست‌های نادرست چندسال اخیر می‌داند که رابطه یک طرفه‌ای را از جانب دولت به سمت مردم ایجاد کرده است: «در نتیجه به این تفکر که تنها دولت متصدی رفح مشکلات در جامعه است دامن زده شده و میان تمام اقشار جامعه نوعی توقع افراطی از دولت ایجاد شده که حتی میان کارمندان دولتی نیز این شکاف و جدایی از ساختار دولت مشهود است.»

جامعه‌شناس عقیده دارد که وجود تشکل‌های دانشگاهی و میدان دادن به آنها در دانشگاه‌ها می‌تواند حس مسئولیت اجتماعی و نفع عمومی را در دانشجویانی که بعدها می‌خواهند وارد محیط‌های کاری شوند به‌وجود بیاورد یا در آنها وارد شود.

بحث پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی را در فضای جامعه ایران در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید و تا چه حد امکان طرح این گونه مسائل و پایبندی مردم و پیکار راه‌پارک‌وی اصول را می‌توان انتظار داشت؟

در این وضع چنانچه افرادی هم به‌عنوان فعال اجتماعی ظاهر شوند غالباً به‌عنوان تهدید برای جامعه قلمداد می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در نحوه برخورد و نگاهی که به تعدادی از جوانان در مورد همدلی و کمک‌رسانی به کودکان خیابانگرد چهارراه پارک‌وی شد، سراغ گرفت. وجود تعداد اندکی خیریه به نهاد

جامعه کمک می‌کند.

مشابه این سیاست را می‌توان در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نیز پی گرفت. ایجاد عرصه عمومی در هر شرکت و فضا دادن به تشکل‌های خرد می‌تواند روحیه همکاری و تعاون و همین‌طور مسئولیت‌پذیری را بین کارکنان افزایش دهد. بسیاری از کارکنان یک شرکت از مسائل و مشکلات یکدیگر آگاه نیستند. از این رو توجه به فضاهای ملموس و نزدیک‌تر برای بسط مسئولیت اجتماعی در جامعه نقطه آغاز مناسبی برای این مقصود خواهد بود. همین امر می‌تواند در بلندمدت کارایی کارکنان شرکت را نیز ارتقا دهد.

چه فعالیت‌هایی در تعریف طرح

مسئولیت اجتماعی سازمان می‌گنجد؟
فسارغ از حمایت‌های مادی، همدلی کردن و حمایت‌های عاطفی می‌تواند نشان از روحیه مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها و سازمان‌ها باشد. اشکال جزئی تر آن نیز بنابر فعالیت‌ها و شرایط خاص موجود قابل طرح است. بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند در مباحث اجتماعی از جمله معضل کودکان کار وارد عرصه شوند. مدیران سازمان‌های مردم نهاد باید هنگام تعامل و مذاکره با شرکت‌ها خود را به جای مدیران آنها بگذارند و با توجه به ملاک‌های تصمیم‌گیری آنها در راستای آمورت و حوزه کاری شرکت‌ها با آنها رویه‌ور شوند. پیدا کردن توافقی که به بازی برد-برد منجر شود و پرهیز از نگاه صرفاً در آمدی به شرکت‌ها باید در این گونه تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود.

سازمان‌های مردم نهاد و سایر تشکل‌های مرتبط در فضای اجتماعی کنونی ایران چه وضعیتی دارند و چه ظرفیت‌هایی برای این گونه انجمن‌ها به منظور بسط مسئولیت اجتماعی در جامعه قابل تصور است؟

سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان عوامل اثرگذار در امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، نقش ارزنده‌ای دارند. آنها در فرهنگ‌سازی در جامعه و شناختن و ریشه‌یابی مسائل اجتماعی و آرایه راه‌حل‌های علمی برای رفع کاستی‌ها، می‌توانند با تقویت خودباوری و پیکارگری توان بالقوه و نیروی کارآمد قشر عظیمی از مردم، مانع هدر رفتن استعدادها شوند. تشکل‌های غیردولتی فرصت مناسبی برای حضور افراد جامعه به آنها می‌دهند تا با انجام کارهای داوطلبانه، به رشد فکری و بالا بردن توانایی‌های خود بپردازند که اثرات مثبت آن در عرصه خانواده و جامعه، انکارناشدنی است. همچنین این سازمان‌ها با جلب اعتماد و کمک‌های مردمی، در ابعاد ملی و بین‌المللی برای رفع گرفتاری‌های اجتماعی، می‌توانند عرصه مناسبی برای سازمان‌ها ایجاد کنند تا این سازمان‌ها در این عرصه به ایفای نقش پرداخته و مسئولیت‌های خود را در قبال جامعه‌ای که محور فعالیت‌های اقتصادی آنها است، انجام دهند.

وقتی سرمایه‌های بنیادین در جامعه تقویت شود شاهد گسترش NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عرصه رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی خواهیم بود. در واقع NGOها خود معلول چنین فضای حسنی هستند. فعالیت‌های تبلیغی این گونه سازمان‌ها می‌تواند خود موتور برای بسط سرمایه اجتماعی در جامعه شود. ایجاد تشکل‌های صغی در سازمان‌ها یا رفع موانع بر سر تشکیل این گونه انجمن‌ها قدم بزرگی در این راستا است. هر چند وجود چنین تشکل‌هایی ممکن است سازمان مربوطه را دچار چالش‌های جدیدی کند اما اثر آن در بلندمدت عاید کل جامعه خواهد شد.

همین‌طور در سطح دانشگاه‌ها تسهیل شرایط برای ایجاد تشکل‌های داوطلبانه می‌تواند به ارتقای روحیه مسئولیت اجتماعی در سازمان‌های آتی که این افراد در آنها مشغول به کار می‌شوند کمک کند. به بلوغ رسیدن بنگاه‌ها لازمه اثر بخشی طرح‌های مسئولیت اجتماعی و گنجاندن آن در اساسنامه شرکت‌ها است. گره زدن چالش‌های اجتماعی موجود در منطقه با آمورت سازمانی شرکت باید در تعریف طرح‌های مسئولیت اجتماعی لحاظ شود.

اجرای طرح‌هایی مشابه روز کار داوطلبانه کارکنان را تا چه میزان در ایجاد فضای اجتماعی برای پذیرش طرح مسئولیت‌پذیری می‌تواند مناسب می‌بینید و توجه به چه عرصه‌هایی را برای اثرگذاری بیشتری این گونه طرح‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

متأسفانه به دلیل نفوذ شدیدی که در حال حاضر بین احاد مردم جامعه وجود دارد، امکان وجود تشکل‌های خاص برای تعداد زیادی از افراد وجود دارد که در حالی که هیچ اقدام جمعی برای رفع آن مشکل نمی‌گیرد. اجرای سازوکارهایی که به نزدیکی و تعامل بیشتر شهروندان منجر شود، در زدودن این اتفاقات در سطح جامعه موثر خواهد بود. در این بین توجه به روابط موجود در محیط‌های نزدیک و داخل سازمانی که درگیری بیشتری را برای افراد ایجاد می‌کند می‌تواند شروع مناسبی برای ارزیابی و وجود این که ادعا می‌شود فردگرایی بالایی در آن جا حاکم است، شاهد هستیم که لزوم اقدام در جهت بیگانگی زدایی در عرصه مدیریت کلان کشور کاملاً ضروری است. به‌طور مثال به جای عریض کردن خیابان‌ها و محدود کردن دسترسی و تماس مستقیم افراد با یکدیگر باید به دنبال گسترش عرصه عمومی بود. در واقع تا هنگامی که نتوانیم عرصه عمومی فعال و پائشاطی داشته باشیم انتظار داشتن روحیه مسئولیت اجتماعی در بین مردم بیهوده است. در کشور‌های توسعه‌یافته با وجود این که ادعا می‌شود فردگرایی بالایی در آن جا حاکم است، شاهد هستیم که پاتوق‌ها و عرصه‌های عمومی متعددی برای تعامل بیشتری شهروندان با یکدیگر وجود دارد. همین امر به بالا رفتن انگیزه‌های اجتماعی در

خیران و صنعت‌گران

پس هزینه‌هایی مثل خویگاه، آموزش دادن و رفت‌وآمد اینها به شرکت تحمیل می‌شود. حالا با توجه به این شرایط، بهتر است این شرکت، یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در آن منطقه بسازد که یکسری نیروی متخصص جوان تربیت کند که بتواند برای تأمین نیروی تکنیسین از نیروهای آموزش دیده و متخصص شده در همان منطقه استفاده و آنها را استخدام کند. در این حالت می‌شود برای شرکت یک‌ااق دید ۲۰ساله در نظر گرفت که در آن زمان میزان تولید روزانه شرکت به چند برابر عدد فعلی تغییر پیدا کند. وقتی چنین برنامه‌ای هست، باید برای تأمین نیروی انسانی هم فکری کرد. بنابراین یک دید کلی وجود دارد و برای رسیدن به این هدف، یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای تأسیس می‌شود که همین می‌شود انجام‌دادن یک مسئولیت اجتماعی. البته معمولاً مدیران ما کمتر به این موضوع فکر می‌کنند که بخشی از منابع شرکت خود را به طرف کردن چالش‌های اجتماعی واقعی کشور اختصاص دهند. در موضوع مسئولیت‌اجتماعی کل حرف این است که چطور باید در قبال جامعه مسئول بود. حالا این جامعه چیست؟ این جامعه شامل کل مندرت‌ها، هیأت‌مدیره، مشتری، پیمانکار و تأمین‌کننده، محیط‌زیست و منطقه جغرافیایی که در آن فعالیت می‌شود... است و صرفاً شامل مردم یک منطقه محرومی که شرکت در آن قرار دارد، نیست.

بنابراین اگر قرار باشد یک تعریف کلی از «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» داشته باشیم، به چه صورت خواهد بود؟

ببینید، در واقع مسئولیت‌اجتماعی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های داوطلبانه است. یعنی کسی نمی‌تواند شرکتی را مجبور به انجام مسئولیت‌های اجتماعی کند. بعد هم این که مسئولیت‌اجتماعی فراتر از اجرای حداقل الزامات قانونی است. یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من حقوق کارگر را با یک دستکم اضافه می‌دهم، پس مسئولیت‌اجتماعی را انجام داده‌ام. به‌طور کلی تعریف به این صورت می‌شود که مسئولیت‌اجتماعی یعنی فعالیت داوطلبانه‌ای که فراتر از اجرای حداقل الزامات قانونی باشد که اثرات مثبت فعالیت شرکت را حداکثر و اثرات منفی آن را به حداقل برساند.

عمل‌مدل انجام مسئولیت اجتماعی در یک شرکت ایرانی با یک شرکت خارجی چطور متفاوت است؟

فرض کنید یک مدیر بانک ممکن است تصمیم بگیرد استراتژی و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی خود را تعریف کند. اگر به روش نوین و مدرن خواهد کار کند، اول یک کمیته مسئولیت‌اجتماعی تشکیل می‌دهد و چند نفر حسابدار هم آن‌جا می‌گذارد و خیلی خواهد خوب عمل کند. احتمالاً مدیر روابط عمومی را هم به‌عنوان دبیر کمیته انتخاب می‌کند. بعد برنامه‌ها را که بررسی می‌کنند به‌موردی مثل حمایت مالی از انتشار یک کتاب، حمایت مالی از یک خیریه کوچک و مواردی از این دست می‌رسند و بعد هم که بودجه تمام می‌شود. در نهایت الگوی تصمیم‌گیری اکثر شرکت‌های ایرانی به این شکل است که به‌نظر چندین مطلوب نمی‌رسد. مدیران ما معمولاً نسبت به چالش‌های اجتماعی واقعی کشور آگاهی ندارند، از آن طرف دستگانه‌های سیاست‌گذار شرکت‌ها چنین مطالعاتی را برای مدیران تصمیم‌گیرنده شرکت‌ها فراهم نکرده‌اند هم امکان آگاه شدن آنها را فراهم نمی‌کنند. طرف دیگر قضیه این است که تا یکی که گفتیم، اگر بخواهد با پیش‌زمینه انجام مسئولیت‌اجتماعی فکر کند، می‌تواند بگوید یکی از چالش‌های اصلی کشور همیشه نرخ اشتغال پایین و نرخ بیکاری بالا بوده. همیشه هم گفته شده که منابع مالی محدود است و جوانان نمی‌توانند از طریق دریافت وام، فعالیت اقتصادی داشته باشند. الان اگر بانک‌های بزرگ دنیا در کشور‌های در حال توسعه عرصه خوب، مثل مالزی را که محیط کسب‌وکار پایدارتری دارند نگاه کنیم می‌بینیم مثلاً در راستای انجام مسئولیت‌اجتماعی آمده‌اند در جهت توسعه کارآفرینی قدم برداشته‌اند. این بانک‌ها یکسری کمیون‌های راه‌می‌اندازند که بتوانند جوانان را به مدل‌های اقتصادی خوبی درآند و تا اندازه‌ای پیشرفت هم کرده‌اند. حمایت‌کنند.

ببینید، الان شرکت‌های کوچک و متوسط یا شرکت‌های خانوادگی در کشور ما بسیار ضعیف عمل می‌کنند. بنابراین خوب است که طرحی با عنوان سرویس‌های بانکی برای شرکت‌های کوچک و متوسط و سرویس‌های بانکی برای شرکت‌های خانوادگی مطرح شود و بعد از این شرکت‌هایی که می‌توانند به‌عنوان موتور محرک اقتصاد کشور فعالیت کنند، بیشتر حمایت شوند. از این طریق آنها توانمند می‌شوند و در نتیجه وام‌های بد بانک کم می‌شود. یعنی اگر قیلا نرخ وام‌های بد بانک ۲۰ درصد بوده، با این حرکت به ۱۰ درصد می‌رسد. یعنی اگر بانکی برنامه مسئولیت‌اجتماعی تعریف کرده باشد، این برنامه کاملاً در راستای تحقق استراتژی‌های تجاری و چالش‌های کسب‌وکار آن بانک است. در واقع این بانک مدرسه تأسیس نکرده، یا جاده ساخت. اساساً این کارها وظیفه یک بانک نیست.

به نظر شما دلیل این که در کشور ما انجام مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها معمولاً موفق نیست و همیشه یک شرایط کلیشه‌ای دارد، چیست؟

متأسفانه در این وضعیت چنانچه افرادی هم به‌عنوان فعال اجتماعی ظاهر شوند غالباً به‌عنوان تهدید برای جامعه قلمداد می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در نحوه برخورد و نگاهی که به تعدادی از جوانان در مورد همدلی و کمک‌رسانی به کودکان خیابانگرد چهارراه پارک‌وی شد، سراغ گرفت. وجود تعداد اندکی خیریه به نهاد

ادامه از صفحه ۹

خیران و صنعت‌گران

متأسفانه در این وضعیت چنانچه افرادی هم به‌عنوان فعال اجتماعی ظاهر شوند غالباً به‌عنوان تهدید برای جامعه قلمداد می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در نحوه برخورد و نگاهی که به تعدادی از جوانان در مورد همدلی و کمک‌رسانی به کودکان خیابانگرد چهارراه پارک‌وی شد، سراغ گرفت. وجود تعداد اندکی خیریه به نهاد

بنابراین اگر قرار باشد یک تعریف کلی از «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» داشته باشیم، به چه صورت خواهد بود؟

ببینید، در واقع مسئولیت‌اجتماعی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های داوطلبانه است. یعنی کسی نمی‌تواند شرکتی را مجبور به انجام مسئولیت‌های اجتماعی کند. بعد هم این که مسئولیت‌اجتماعی فراتر از اجرای حداقل الزامات قانونی است. یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من حقوق کارگر را با یک دستکم اضافه می‌دهم، پس مسئولیت‌اجتماعی را انجام داده‌ام. به‌طور کلی تعریف به این صورت می‌شود که مسئولیت‌اجتماعی یعنی فعالیت داوطلبانه‌ای که فراتر از اجرای حداقل الزامات قانونی باشد که اثرات مثبت فعالیت شرکت را حداکثر و اثرات منفی آن را به حداقل برساند.

عمل‌مدل انجام مسئولیت اجتماعی در یک شرکت ایرانی با یک شرکت خارجی چطور متفاوت است؟

فرض کنید یک مدیر بانک ممکن است تصمیم بگیرد استراتژی و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی خود را تعریف کند. اگر به روش نوین و مدرن خواهد کار کند، اول یک کمیته مسئولیت‌اجتماعی تشکیل می‌دهد و چند نفر حسابدار هم آن‌جا می‌گذارد و خیلی خواهد خوب عمل کند. احتمالاً مدیر روابط عمومی را هم به‌عنوان دبیر کمیته انتخاب می‌کند. بعد برنامه‌ها را که بررسی می‌کنند به‌موردی مثل حمایت مالی از انتشار یک کتاب، حمایت مالی از یک خیریه کوچک و مواردی از این دست می‌رسند و بعد هم که بودجه تمام می‌شود. در نهایت الگوی تصمیم‌گیری اکثر شرکت‌های ایرانی به این شکل است که به‌نظر چندین مطلوب نمی‌رسد. مدیران ما معمولاً نسبت به چالش‌های اجتماعی واقعی کشور آگاهی ندارند، از آن طرف دستگانه‌های سیاست‌گذار شرکت‌ها چنین مطالعاتی را برای مدیران تصمیم‌گیرنده شرکت‌ها فراهم نکرده‌اند هم امکان آگاه شدن آنها را فراهم نمی‌کنند. طرف دیگر قضیه این است که تا یکی که گفتیم، اگر بخواهد با پیش‌زمینه انجام مسئولیت‌اجتماعی فکر کند، می‌تواند بگوید یکی از چالش‌های اصلی کشور همیشه نرخ اشتغال پایین و نرخ بیکاری بالا بوده. همیشه هم گفته شده که منابع مالی محدود است و جوانان نمی‌توانند از طریق دریافت وام، فعالیت اقتصادی داشته باشند. الان اگر بانک‌های بزرگ دنیا در کشور‌های در حال توسعه عرصه خوب، مثل مالزی را که محیط کسب‌وکار پایدارتری دارند نگاه کنیم می‌بینیم مثلاً در راستای انجام مسئولیت‌اجتماعی آمده‌اند در جهت توسعه کارآفرینی قدم برداشته‌اند. این بانک‌ها یکسری کمیون‌های راه‌می‌اندازند که بتوانند جوانان را به مدل‌های اقتصادی خوبی درآند و تا اندازه‌ای پیشرفت هم کرده‌اند. حمایت‌کنند.

ببینید، الان شرکت‌های کوچک و متوسط یا شرکت‌های خانوادگی در کشور ما بسیار ضعیف عمل می‌کنند. بنابراین خوب است که طرحی با عنوان سرویس‌های بانکی برای شرکت‌های کوچک و متوسط و سرویس‌های بانکی برای شرکت‌های خانوادگی مطرح شود و بعد از این شرکت‌هایی که می‌توانند به‌عنوان موتور محرک اقتصاد کشور فعالیت کنند، بیشتر حمایت شوند. از این طریق آنها توانمند می‌شوند و در نتیجه وام‌های بد بانک کم می‌شود. یعنی اگر قیلا نرخ وام‌های بد بانک ۲۰ درصد بوده، با این حرکت به ۱۰ درصد می‌رسد. یعنی اگر بانکی برنامه مسئولیت‌اجتماعی تعریف کرده باشد، این برنامه کاملاً در راستای تحقق استراتژی‌های تجاری و چالش‌های کسب‌وکار آن بانک است. در واقع این بانک مدرسه تأسیس نکرده، یا جاده ساخت. اساساً این کارها وظیفه یک بانک نیست.

به نظر شما دلیل این که در کشور ما انجام مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها معمولاً موفق نیست و همیشه یک شرایط کلیشه‌ای دارد، چیست؟

متأسفانه در این وضعیت چنانچه افرادی هم به‌عنوان فعال اجتماعی ظاهر شوند غالباً به‌عنوان تهدید برای جامعه قلمداد می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در نحوه برخورد و نگاهی که به تعدادی از جوانان در مورد همدلی و کمک‌رسانی به کودکان خیابانگرد چهارراه پارک‌وی شد، سراغ گرفت. وجود تعداد اندکی خیریه به نهاد



گفتگو Gettyimages